



Ethics Education in the Curricula of Psychology Disciplines in Iranian Universities*

Mohammad Taghi Tabik¹  Naser Aghababaei²

1. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran
(Corresponding Author).

mtabik@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran.
naseragha@gmail.com



Abstract

The purpose of the present study is to examine the status of ethics education within the framework of curricula for psychology students in Iran. To this end, all active psychology curricula at the Ministry of Science, Research, and Technology of the Islamic Republic of Iran were examined using quantitative content analysis. The findings indicate that a total of 14 course titles related to ethics education were identified across 13 psychology disciplines; including 9 courses on "Professional Ethics" and 6 courses on "Moral Psychology." In addition to the aforementioned 14 courses, the topic of ethics is referenced in the syllabus of 86 other courses. A total of 177 ethical components extracted from the syllabi of 100 psychology courses were categorized into four themes: moral dimensions of the human, the content of moral science, moral disciplines, and the relationship between ethics and other matters. These findings

* Tabik, M. T.; Aghababaei, N. (2025). Ethics Education in the Curricula of Psychology Disciplines in Iranian Universities. *Ethics and Psychology*, 1(2), pp. 96-118.

<https://doi.org/10.22081/jmp.2026.72931.1017>

* **Type of article:** Specialized; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy.

▣ **Received:** 2025/06/05 • **Revised:** 2025/08/05 • **Accepted:** 2025/08/31 • **Published online:** 2025/10/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://jmp.isca.ac.ir>

demonstrate that ethics education has been addressed in most psychology disciplines in the Iranian higher education system. As an exploratory and preliminary study, the present research has provided a general overview of the state of ethics education in psychology curricula in Iran and has offered suggestions for ethics education at the undergraduate level in psychology.

Keywords

Ethics Education, Psychology Education, Moral Psychology, Professional Ethics, Curriculum.



آموزش اخلاق در برنامه‌های درسی رشته‌های روان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران*



محمدتقی تیبیک^۱ ID ناصر آقابابائی^۲

۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mtabik@gmail.com

۲. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران.

naseragha@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی وضعیت آموزش اخلاق در چارچوب برنامه‌های درسی، به دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی در ایران بود. بدین منظور، همه برنامه‌های درسی روان‌شناسی فعال در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل محتوای کمی بررسی شدند. یافته‌ها حاکی از آن بود که در مجموع ۱۴ عنوان درسی مرتبط با آموزش اخلاق در ۱۳ رشته روان‌شناسی شناسایی شده‌اند؛ شامل ۹ درس «اخلاق حرفه‌ای» و ۶ درس «روان‌شناسی اخلاق». افزون بر ۱۴ درس یادشده، در سرفصل ۸۶ درس دیگر به موضوع اخلاق اشاره شده است. مجموع ۱۷۷ مؤلفه اخلاقی استخراج شده از سرفصل‌های ۱۰۰ درس روان‌شناسی، در چهار مقوله گنجانده شدند: ابعاد اخلاقی انسان، محتوای علم اخلاق، رشته‌های اخلاقی، و ارتباط اخلاق با دیگر امور. این یافته‌ها نشان می‌دهند در بیشتر رشته‌های روان‌شناسی در نظام

۹۸
اخلاق و روان‌شناسی
سال اول، ش. ۲، ۱۴۰۴

* تیبیک، محمدتقی؛ آقابابائی، ناصر. (۱۴۰۴). آموزش اخلاق در برنامه‌های درسی رشته‌های روان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران. اخلاق و روان‌شناسی، ۱(۲)، صص ۹۶-۱۱۸.

<https://doi.org/10.22081/jmp.2026.72931.1017>

▣ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



آموزش عالی ایران، به آموزش اخلاق توجه شده است. مطالعه حاضر به‌منابه پژوهشی اکتشافی و مقدماتی، تصویری کلی از وضعیت آموزش اخلاق در برنامه‌های درسی روان‌شناسی در ایران فراهم کرده و پیشنهادهایی برای آموزش اخلاق در مقطع کارشناسی روان‌شناسی ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها

آموزش اخلاق، آموزش روان‌شناسی، روان‌شناسی اخلاق، اخلاق حرفه‌ای، برنامه درسی.

آموزش اخلاق به دانشجویان کارشناسی روان‌شناسی طی سال‌های اخیر به یکی از موضوعات محوری سازمان‌های حرفه‌ای در این حوزه تبدیل شده است. این تمرکز از طریق چندین ابتکار عمل قابل مشاهده است. انجمن روان‌شناسی آمریکا دستورالعمل‌های «رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی: نسخه ۲/۰» (۲۰۱۳م) را به‌مثابه به‌روزرسانی توصیه‌های پیشین و اولیه‌اش منتشر کرد. نسخه ۲/۰ به‌طور مشخص، هدفی را دوباره معرفی کرد که بر ملاحظات اخلاقی تأکید داشت: هدف ۳: مسئولیت اخلاقی و اجتماعی در دنیایی متنوع. این دستورالعمل‌ها نتایج مورد انتظار، شاخص‌ها در سطوح پایه و کارشناسی، ویژگی‌های مرتبط و راهبردهای ارزیابی را مشخص کرده‌اند. به‌طور مشابه، انجمن روان‌شناسی بریتانیا، راهنمای «تدریس و سنجش شایستگی اخلاقی در آموزش روان‌شناسی» (۲۰۱۵م) را منتشر کرد که اطلاعات دقیقی را در اختیار اعضای هیئت علمی قرار می‌دهد، شامل محتوای اخلاقی در سطوح مختلف آموزشی و روش‌های تدریس و ارزیابی یادگیری دانشجویان. افزون بر این، «استانداردهای بازنگری‌شده اعتباربخشی برنامه‌های روان‌شناسی در استرالیا» (۲۰۱۷م) اهمیت درک اخلاق را به‌مثابه یکی از شایستگی‌های اساسی در برنامه‌های مقطع کارشناسی مورد تأکید قرار می‌دهد. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که آموزش اخلاق از سال ۱۹۹۵م در برنامه‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی روان‌شناسی در استرالیا الزامی است. در مجموع، این چارچوب‌ها نقش اساسی آموزش اخلاق در پرورش دانش‌آموختگان روان‌شناسی شایسته و مسئولیت‌پذیر اجتماعی را برجسته می‌کنند.

یکی از هدف‌های محوری در برنامه درسی کارشناسی روان‌شناسی بر پایه نسخه سوم راهنمای انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۲۳م) تأکید بر «ارزش‌ها در علم روان‌شناسی» است. این هدف بر توسعه و نهادینه‌سازی اصول اخلاقی، مسئولیت اجتماعی، و حساسیت فرهنگی در میان دانشجویان روان‌شناسی تمرکز دارد. در سطح مقدماتی، دانشجویان با مفاهیم پایه‌ای اخلاقی همچون رعایت اصل «عدم آسیب‌رسانی، حفظ حریم خصوصی، و پایبندی به صداقت علمی» آشنا می‌شوند. همچنین آنان یاد

می‌گیرند که تنوع فردی و فرهنگی چگونه بر تجربه‌های انسانی و تعاملات اجتماعی اثر می‌گذارد و چرا توجه به این تفاوت‌ها برای تفسیر صحیح پدیده‌های روان‌شناختی ضروری است. در سطح پیشرفته، انتظار می‌رود دانشجویان بتوانند اصول اخلاقی را به‌طور عملی در «پژوهش، فعالیت‌های آموزشی و موقعیت‌های حرفه‌ای» به کار گیرند. آنان باید بتوانند تعارض‌های اخلاقی را تحلیل کنند، در تعاملات بین فردی و میان فرهنگی به شیوه‌ای عادلانه و محترمانه رفتار نمایند، و در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و حرفه‌ای نقش فعال ایفا کنند. بخش دیگری از این هدف بر «کاربرد روان‌شناسی در ارتقای کیفیت زندگی و بهبود جامعه» متمرکز است. در این زمینه، دانشجویان ابتدا با ظرفیت روان‌شناسی برای ارتقای آسایش فردی و اجتماعی آشنا می‌شوند و در مراحل پیشرفته‌تر می‌آموزند چگونه از اصول روان‌شناسی برای مواجهه با مسائل کلان اجتماعی نظیر «فقر، سلامت عمومی، تبعیض، مهاجرت و پایداری اجتماعی» بهره بگیرند. افزون بر این، تربیت دانشجویانی که بتوانند در سیاست‌گذاری عمومی و فعالیت‌های مدنی نقش مؤثر ایفا کنند، بخشی از رسالت این هدف است. بنابراین هدف سوم با ترکیب سه مؤلفه اساسی شامل «رعایت استانداردهای اخلاقی، توسعه حساسیت میان فرهنگی و اجتماعی، و به کارگیری روان‌شناسی برای بهبود جامعه»، دانشجویان را به سوی تبدیل شدن به متخصصانی مسئولیت‌پذیر، اخلاق‌مدار، و متعهد به عدالت اجتماعی هدایت می‌کند. این هدف پیوندی میان دانش نظری و ارزش‌های انسانی ایجاد می‌کند و به روان‌شناسی به مثابه ابزاری برای «ایجاد تغییر مثبت در سطح فردی و جمعی» معنا می‌بخشد.

بررسی منابع موجود نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از آثار نوشتاری مرتبط با آموزش روان‌شناسی بر موضوعاتی همچون آموزش مبتنی بر اصول اخلاقی (Landrum & McCarthy, 1992; Hogan & Kimmel, 2012)، صداقت علمی (Prohaska, 2012)، منشورهای افتخار تحصیلی (Schwartz et al., 2012)، و آموزش اخلاق در دروس پژوهشی متمرکز است. از دغدغه‌های اساسی در حوزه آموزش روان‌شناسی، فقدان شواهد کافی مبنی بر آموزش نظام‌مند اخلاق در مقطع کارشناسی است. این در حالی است که نهادهای معتبر علمی همچون

انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۱۳م) و پژوهشگران پرشماری (Dunn et al., 2010; Halpern,) بر ضرورت گنجاندن مباحث اخلاقی در برنامه‌های آموزشی تأکید کرده‌اند. به‌طور خاص، سازمان‌های بریتانیا و استرالیا توصیه کرده‌اند که الگوهای آموزشی روان‌شناسی در مقطع کارشناسی به‌صورت صریح دربردارنده مؤلفه‌های اخلاقی باشند (Hulme, 2014; Hulme et al., 2015). با این حال، تاکنون مستندات کافی درباره شیوه‌های آموزش این مفاهیم و میزان اثربخشی آموزش اخلاق در دسترس نیست. شایان توجه است که نتایج دو پژوهش اخیر در ایالات متحده درباره مؤسسات آموزش عالی مذهبی نشان می‌دهند که حتی در دانشگاه‌های با رویکرد دینی نیز دروس مستقل اخلاق در برنامه کارشناسی روان‌شناسی کمتر به چشم می‌خورد؛ برای مثال فقط ۱۳ درصد از برنامه‌های دانشگاه‌های فرانسیسکن چنین درسی ارائه می‌دهند (Ruiz et al., 2019) و این رقم در مؤسسات یسوعی ۲۳ درصد گزارش شده است (Plant & Pistorese, 2017).

مسائل اخلاقی، از جمله مشکلات و تنگناهای اخلاقی، در همه فعالیت‌های حرفه‌ای روان‌شناسان، اعم از فعالیت‌های علمی و آموزشی، صادق است. شواهد نشان می‌دهند مسائل اخلاقی اغلب ماهیتی چندوجهی دارند و می‌توانند چالش‌های قابل توجهی در ابعاد فکری، عاطفی، بین‌فردی، و اجتماعی ایجاد کنند (Rossiter et al., 2002). افزون بر این، پتانسیل رفتار غیراخلاقی و ایجاد آسیب، محدود به عده انگشت‌شماری از روان‌شناسان نیست و می‌تواند در همه افراد فعال در این حوزه وجود داشته باشد. اگرچه به‌طور معمول فرض می‌شود که فعالیت‌های علمی و حرفه‌ای روان‌شناسان به‌طور ذاتی، مفید و سازنده‌اند، شواهد نشان می‌دهند این فرض همیشه صادق نیست؛ از این‌رو برای پیشگیری از اقدامات غیراخلاقی و آسیب‌های احتمالی ناشی از آن، ضروری است که مسائل اخلاقی موجود در فعالیت‌های روزمره حرفه‌ای شناسایی و مورد بحث قرار گیرند. در ضمن، پژوهش‌ها حاکی از آن است که آگاهی از ارزش‌ها، اصول و استانداردهای اخلاقی نقش مهمی در گرفتن تصمیم‌های اخلاقی صحیح و اجرای عمل حرفه‌ای اخلاق مدار دارد؛ در حالی که نارسایی‌ها و لغزش‌های اخلاقی به‌طور عمده، ناشی از فقدان آگاهی یا غفلت فردی‌اند (Pope & Vasquez, 1991).

نظام‌نامه اخلاق انجمن روان‌شناسی امریکا (۲۰۱۷م) شامل شش بخش استاندارد کلی است که بر همه فعالیت‌های روان‌شناسی اعمال می‌شود: (۱) حل مسائل اخلاقی؛ (۲) شایستگی؛ (۳) روابط انسانی؛ (۴) حفظ حریم خصوصی و محرمانگی؛ (۵) تبلیغات و دیگر بیانیه‌های عمومی؛ (۶) نگهداری سوابق و تعیین هزینه‌ها. این استانداردها به گونه‌ای تدوین شده‌اند که دامنه وسیعی از فعالیت‌های علمی و حرفه‌ای روان‌شناسان را پوشش دهند. چهار بخش تکمیلی نیز وجود دارد که به فعالیت‌های تخصصی روان‌شناسان اختصاص یافته است: (۱) آموزش و تربیت؛ (۲) پژوهش و انتشار؛ (۳) ارزیابی؛ (۴) درمان. این دسته‌بندی امکان انطباق دقیق‌تر استانداردهای اخلاقی با حوزه‌های مختلف حرفه‌ای و علمی روان‌شناسی را فراهم می‌آورد.

در کنار منابع و اسناد مهم بین‌المللی ناظر به اهمیت و ضرورت توجه به آموزش اخلاق، «نقشه جامع علمی کشور» مجموعه‌ای جامع، هماهنگ، پویا، و آینده‌نگر شامل مبانی، هدف‌ها، سیاست‌ها، راهبردها، ساختارها، و الزامات تحول‌راهبردی علم و فناوری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی برای دستیابی به هدف‌های چشم‌انداز ۲۰ساله ایران است. در این سند بر اخلاق‌محوری و تقویت اخلاق در آحاد جامعه، به‌ویژه نسل جوان، بر اخلاق‌کاربرداری در علوم انسانی و معارف اسلامی، و همچنین نهادینه کردن مدیریت دانش و ابتنای مدیریت جامعه بر اخلاق و دانش تأکید شده است. همچنین بر تعمیق، ترویج، و احترام به ارزش‌های اصیل اسلامی و ایرانی، و اخلاق حرفه‌ای، و بهره‌برداری از ذخایر غنی فرهنگی و همچنین نقش اعضای هیئت علمی در تربیت اخلاقی دانشجویان تأکید خاص شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹).

قانون تشکیل سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران در ماده ۲، حمایت از حقوق مراجعان و حقوق صنفی روان‌شناسان و مشاوران را از هدف‌های آن سازمان دانسته است. ماده ۱۲ این قانون یکی از وظایف شورای مرکزی را تشکیل هیئت رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های روان‌شناسی و مشاوره برشمرده است و در تبصره یک ماده ۱۹ نیز یکی از تخلفاتی که سبب محکومیت اعضای سازمان می‌شود، تخلف از شئون حرفه‌ای و صنفی - به معنای عدول از اصول نظام‌نامه اخلاق

حرفه‌ای روان‌شناسی و مشاوره - قلمداد کرده است. نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران با ارج نهادن به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، و با الهام از تعالیم دینی و با توجه به تنوع فرهنگ‌ها و گستردگی خدمات روان‌شناختی و مشاوره‌ای، و با در نظر گرفتن دستاوردهای علمی و تخصصی روان‌شناسان و مشاوران در ایران و جهان، و با هدف تأمین حقوق مراجعان و استفاده‌کنندگان از خدمات روان‌شناسی و مشاوره و همچنین برای تأمین حقوق روان‌شناسان و مشاوران، و حفظ شئون حرفه‌ای و منزلت اجتماعی ایشان تدوین شده است. هدف این نظام‌نامه تعیین استانداردها و ضوابط اخلاقی برای فعالیت‌های حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران و تصریح حقوق مراجعان یا استفاده‌کنندگان از خدمات روان‌شناسی و مشاوره و متخصصان است. این نظام‌نامه دو بخش دارد: «اصول عمومی اخلاق حرفه‌ای» و «استانداردها و ضوابط اخلاق حرفه‌ای». اصول عمومی اخلاق حرفه‌ای ذیل شش اصل «احترام به شأن و آزادی انسان و تکریم شخصیت مراجعان»، «وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری»، «ارائه خدمات مؤثر و اجتناب از آسیب‌رسانی اجتماعی»، «اصل عدم تبعیض»، «اصل توجه به رفاه دیگران»، و اصل «توجه به نظام ارزش‌های جامعه» تشریح شده است. همچنین استانداردها و ضوابط اخلاق حرفه‌ای بر اساس ده مورد «صلاحیت»، «مسئولیت»، «روابط حرفه‌ای»، «رازداری»، «سنجش، ارزیابی، و تفسیر آزمون‌های روان‌شناختی»، «مداخله‌های روان‌شناختی»، «آموزش، کارورزی و نظارت»، «پژوهش و انتشار»، «تبلیغات و خدمات عمومی»، و «حل و فصل مسائل و تعارض‌های اخلاقی» توضیح داده شده است.

با توجه به آنچه در باب اهمیت آموزش اخلاق به دانشجویان روان‌شناسی گذشت، پژوهش حاضر درصدد بررسی نگاه برنامه‌ریزان آموزش رشته‌های روان‌شناسی برآمد. برنامه‌های درسی سندهای مهم آموزشی‌اند و ارزیابی آنها لازمه یک نظام آموزشی پویا است. هدف پژوهش حاضر بررسی موضوع اخلاق در برنامه‌های درسی روان‌شناسی است که در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعال‌اند.

روش

در این پژوهش، از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد. ابتدا مؤلفه‌های مرتبط با اخلاق از عنوان‌ها و سرفصل‌های همه برنامه‌های درسی رشته‌های روان‌شناسی مقاطع مختلف کارشناسی و تحصیلات تکمیلی فعال - در هنگام انجام پژوهش، در تابستان سال ۱۴۰۴ - در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران استخراج شد. سپس این مؤلفه‌ها مقوله‌بندی گردید. یکی از مهم‌ترین کاربردهای تحلیل محتوا آشکار کردن مقاصد و تأکیدهای افراد است. تحلیل پیام‌های زبانی به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، و شیوه‌های درک و سازمان‌دهی جهان رهنمون می‌شود. در تحلیل محتوای می‌توان از هر منبعی برای تحلیل استفاده کرد و پژوهشگر نمی‌تواند همه مقولات تحلیل و نحوه بیان‌شان پیش از گردآوری داده‌ها را پیش‌بینی کند. بنابراین پژوهش حاضر فرضیه خاصی را دنبال نخواهد کرد. مراحل تحلیل محتوا شامل شناخت مسئله، ساخت پیکره، تدوین مقوله‌ها، انتخاب واحدهای تحلیل، شمارش، و تفسیر است (Akhter et al., 2019). بنابراین با شناخت مسئله، مقولات استخراج شدند. سپس مقولات استخراج شده با تکیه بر نظر و رأی نویسندگان مقاله توضیح داده شدند.

یافته‌ها

در سطح اول تحلیل، همه درس‌های روان‌شناسی - اعم از دروس اصلی/پایه، تخصصی، و اختیاری روان‌شناسی - مربوط به اخلاق از میان برنامه‌های درسی روان‌شناسی فعال در وزارت علوم جمهوری اسلامی ایران استخراج شدند (این برنامه‌ها در وبگاه وزارت یادشده در دسترس همگان‌اند). در این راستا، ۱۵ رشته مربوط به مقطع دکتری روان‌شناسی، ۲۴ رشته مربوط به مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی، و ۴ رشته مربوط به مقطع کارشناسی روان‌شناسی بررسی شدند. همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، در مجموع، در سیزده رشته روان‌شناسی، ۱۴ درس روان‌شناختی مرتبط با اخلاق وجود دارند. از میان این ۱۴ درس، ۸ مورد، آشکارا «اخلاق حرفه‌ای» اند و ۶ مورد به صراحت «روان‌شناسی اخلاق» اند. شایان ذکر است که درس «مبانی روان‌شناختی تربیت اخلاقی» به حوزه «روان‌شناسی اخلاق» تعلق دارد و نه حوزه «اخلاق کاربردی».

جدول ۱: عنوان‌های درس‌های مرتبط

با اخلاق در برنامه‌های درسی روان‌شناسی وزارت علوم

عنوان درس	نام رشته
مبانی فقهی و حقوقی اسلام و اخلاق حرفه‌ای در مسائل جنسی	دکتری خانواده و سلامت جنسی
مبانی روان‌شناختی تربیت اخلاقی	دکتری روان‌شناسی تربیتی
اخلاق حرفه‌ای و معنویت در سازمان از دیدگاه اسلام	دکتری روان‌شناسی صنعتی و سازمانی
اخلاق و ملاحظات حرفه‌ای در روان‌شناسی ورزشی	دکتری روان‌شناسی ورزشی
روان‌شناسی اخلاق	کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا
روان‌شناسی اخلاق	کارشناسی ارشد اسلام و روان‌شناسی اجتماعی
روان‌شناسی اخلاق با نگرش به منابع اسلامی	کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی
اخلاق حرفه‌ای در روان‌شناسی بالینی	کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی
روان‌شناسی اخلاق	کارشناسی ارشد روان‌شناسی دین
اخلاق حرفه‌ای در روان‌شناسی سلامت	کارشناسی ارشد روان‌شناسی سلامت
اخلاق و ملاحظات حرفه‌ای در روان‌شناسی ورزشی	کارشناسی ارشد روان‌شناسی ورزشی
اخلاق در سنجش و یادگیری	کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری
۱. روان‌شناسی اخلاق؛ ۲. اخلاق حرفه‌ای	کارشناسی روان‌شناسی

در سطح دوم تحلیل، سرفصل‌های همهٔ دروس تخصصی برنامه‌های درسی روان‌شناسی فعال در وزارت علوم بررسی شدند. در این مرحله به دنبال محتوای مرتبط با اخلاق در سرفصل دروس روان‌شناسی بودیم، خواه نام درس دربردارندهٔ واژهٔ اخلاق باشد و خواه نباشد. نتایج نشان دادند در بسیاری از دروسی که نام اخلاق را نمی‌توان در آنها یافت، به اخلاق اشاره شده است. در سرفصل ۸۶ عنوان درس روان‌شناسی - افزون بر ۱۴ عنوان درس ذکر شده در جدول شمارهٔ ۱ - به اخلاق اشاره شده است. محتوای سرفصل این دروس - در مجموع ۱۰۰ درس - شامل ۱۷۷ مؤلفهٔ مربوط به اخلاق است که می‌توان آنها را در چهار مقوله دسته‌بندی کرد (جدول ۲). مقولهٔ اول ابعاد اخلاقی انسان است و شامل مواردی مانند احساسات اخلاقی، تحول اخلاقی، رفتارهای اخلاقی، و رگه‌های اخلاقی می‌شود. مقولهٔ دوم به محتوای علم اخلاق اشاره دارد و مواردی مانند اصول اخلاقی، ضوابط اخلاقی، و معیارهای اخلاقی شاخص‌های بیانگر این مقوله‌اند. مقولهٔ سوم رشته‌های اخلاقی است که افزون بر روان‌شناسی اخلاق، اخلاق پزشکی، و اخلاق کار را در بر می‌گیرد. مقولهٔ چهارم به ارتباط اخلاق با دیگر قلمروهای دانشی یا رفتاری اشاره دارد.

جدول ۲: محتوای مرتبط با اخلاق

در برنامه‌های درسی رشته‌های روان‌شناسی و دسته‌بندی آن

مقوله‌ها و محتوای مرتبط با اخلاق (و فراوانی آن)			
مقولهٔ اول: ابعاد اخلاقی انسان (۵۰)			
وجدان اخلاقی (۲)	ابعاد اخلاقی	احساسات اخلاقی	اخلاق اجتماعی (۲)
اخلاق بندگی	ارادهٔ اخلاقی	ارزش‌های اخلاقی (۴)	تحول اخلاقی (۱۳)
تربیت اخلاقی (۴)	تصمیم‌گیری اخلاقی (۲)	تعارضات اخلاقی (۳)	خودشناسی اخلاقی
رفتارهای اخلاقی (۵)	رگه‌های اخلاقی	سلامت اخلاقی	فضایل اخلاقی (۴)
قضاوت‌های اخلاقی	مشکلات اخلاقی	نابهنجاری‌های اخلاقی	هویت اخلاقی

مقوله دوم: محتوای علم اخلاق (۶۷)			
اخلاق (۵)	اخلاق اسلامی	اخلاقیات	اصول اخلاقی (۸)
آموزه‌های اخلاقی	تحلیل مفهومی اخلاق	روی آوردهای اخلاقی	ضوابط اخلاقی (۲)
قواعد و قوانین اخلاقی	مباحث اخلاقی (۴)	مسائل اخلاقی (۲۴)	مسئولیت‌های اخلاقی (۲)
معیارهای اخلاقی (۵)	مکارم اساسی اخلاق	ملاحظات اخلاقی (۱۲)	موضوعات اخلاقی
مقوله سوم: رشته‌های اخلاقی (۵۴)			
اخلاق پزشکی (۲)	اخلاق پژوهش (۱۴)	اخلاق حرفه‌ای (۲۹)	اخلاق کار (۲)
اخلاق کاربردی	روانشناسی اخلاق (۶)		
مقوله چهارم: ارتباط اخلاق با دیگر امور (۱۰)			
اخلاق و بهداشت روانی (۲)	پیامدهای اخلاقی	ترویج اخلاقی	رابطه اخلاق با بهداشت روانی
روانشناسی و اخلاق	روانشناسی اجتماعی و اخلاق	کمیته اخلاق	اخلاق سلامت (۲)

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، در رشته روان‌شناسی بالینی دکتری مصوب سال ۱۳۹۹، هیچ برنامه‌ای برای آموزش کدهای اخلاقی دیده نشد. در مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی مصوب سال ۱۳۹۹، عنوان درسی اخلاق حرفه‌ای گنجانده شده است. در مقطع کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی گرایش کودک و نوجوان، مصوب سال ۱۳۸۱ و رشته روان‌شناسی بالینی خانواده، هیچ عنوان درسی و حتی سرفصل‌های ذیل عناوین درسی که اشاره به بحث اخلاق - اعم از مباحث نظری و کاربردی - داشته باشد، وجود ندارد. همچنین در مقطع کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی - ویژه جامعه‌المصطفی‌العالمیه -، نیز هیچ عنوان درسی برای اخلاق نظری و کاربردی وجود

ندارد؛ حتی سرفصلی هم به بحث اخلاق اختصاص داده نشده است. در رشته روان‌شناسی مقطع کارشناسی، مصوب سال ۱۴۰۳، دروس «اخلاق حرفه‌ای» و «روان‌شناسی اخلاق» جزو دروس اختیاری‌اند. اختیاری بودن این دروس بدین معناست که دپارتمان مربوط در هر دانشگاه اختیار دارد که این دو درس را به دانشجویان مقطع کارشناسی ارائه ندهد. همچنین در رشته معارف اسلامی و روان‌شناسی، مقطع کارشناسی، ویژه مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، مصوب سال ۱۴۰۱، هیچ عنوان درسی ذیل مباحث اخلاقی، اعم از اخلاق حرفه‌ای و روان‌شناسی اخلاق وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی و ارزیابی برنامه‌های درسی روان‌شناسی در ایران پرداخت. هدف ارزیابی برنامه درسی کمک به تصمیم‌گیری درباره برگزاری برنامه درسی، گسترش و ادامه آن، یا اصلاح آن است. ضروری است همه ابعاد و عناصر برنامه‌های درسی بررسی شوند و بر پایه این بررسی، اصلاحات لازم در برنامه یا اجزای آن انجام شود. از طریق ارزیابی می‌توان کارایی برنامه‌های درسی را افزود و نظامی برای بهبود مستمر برنامه‌های درسی طراحی کرد. ارزیابی از برنامه درسی ممکن است شامل ارزیابی کامل برنامه یا جنبه کوچکی از آن باشد (مؤنی مهمویی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر، بر یک جنبه از برنامه‌های درسی روان‌شناسی یعنی نحوه توجه آنها به موضوع آموزش اخلاق متمرکز شده است.

اولین مقوله در تحلیل حاضر، ابعاد اخلاقی انسان بود. ابعاد اخلاقی انسان از اساسی‌ترین وجوه وجودی او به شمار می‌آید. پرسش درباره چگونگی رشد، هدایت، و کمال اخلاقی از دیرباز مورد توجه فلاسفه، روان‌شناسان، و مربیان بوده است. سه مقوله کلیدی در این زمینه، تحول اخلاقی - به‌مثابه تحول بهنجار و طبیعی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اخلاقی -، تربیت اخلاقی - به‌مثابه پرورش آگاهانه این ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها - و فضیلت اخلاقی - به‌مثابه ثمره تحول و تربیت اخلاقی - است. انسان از

بدو تولد توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی برای فهم درست و نادرست دارد که با رشد شناختی و اجتماعی دگرگون می‌شوند. تحول اخلاقی بستر طبیعی و زیستی است که زمینه پرورش اخلاقی را فراهم می‌آورد. رشد طبیعی به تنهایی کافی نیست؛ زیرا محیط و الگوهای اجتماعی می‌توانند این مسیر را منحرف یا تقویت کنند. به همین دلیل، تربیت اخلاقی به مثابه فرایندی آگاهانه و هدفمند، نقش راهبری دارد. وقتی ظرفیت‌های تحول اخلاقی در بستر تربیت درست رشد کنند، نتیجه آن شکل‌گیری فضیلت‌های پایدار است. فضیلت اخلاقی نشان‌دهنده درونی‌شدن ارزش‌ها و پایداری در عمل به آنهاست. ابعاد اخلاقی انسان را می‌توان بر اساس دیدگاه چهارمؤلفه‌ای جیمز رست نیز توضیح داد. به باور وی، اخلاق انسانی به شناخت درست و نادرست محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی چندبُعدی است که برای تحقق در عمل، به مجموعه‌ای از مهارت‌ها، انگیزه‌ها، و توانایی‌ها نیازمند است. جیمز رست (۱۹۸۶م) با الهام از نظریهٔ مراحل تحول اخلاقی کلبرگ، الگویی چهارمؤلفه‌ای برای تبیین رفتار اخلاقی ارائه داد (Rest, 1986). الگوی چهارمؤلفه‌ای رست (Narvaez & Rest, 1995) نشان می‌دهد رفتار اخلاقی فرایندی پیچیده و چندبُعدی است. این فرایند شامل تشخیص موقعیت اخلاقی (حساسیت)، انتخاب درست‌ترین اقدام (قضاوت)، ترجیح ارزش‌های اخلاقی بر دیگر ارزش‌ها (انگیزش)، و توانایی پایبندی به این انتخاب در عمل (منش اخلاقی) است. بر این پایه، برای پرورش اخلاق در انسان، توجه به هر چهار مؤلفه ضروری است. الگوی چهارمؤلفه‌ای اخلاق می‌تواند مبنای تدوین اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای در حوزه‌ها و مشاغل مختلف در جامعه باشد؛ برای نمونه انجمن روان‌شناختی بریتانیا، در کتابچهٔ راهنمای تدریس و سنجش صلاحیت اخلاقی در آموزش روان‌شناسی (۲۰۱۵م) الگوی چهارمؤلفه‌ای اخلاق را مبنای آموزش و سنجش اخلاقی دانشجویان قرار داده و کوشیده است تا سطوح مختلف این چهار مؤلفه را در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی رشتهٔ روان‌شناسی بگنجانند.

بر پایهٔ یافته‌های پژوهش حاضر، محتوای علم اخلاق، دومین مقولهٔ به دست آمده است. علم اخلاق به مثابهٔ دانشی که به بررسی مبانی، ارزش‌ها، و قواعد رفتار انسانی

می‌پردازد، ابعاد و بخش‌های گوناگونی دارد. برای درک بهتر این علم، می‌توان آن را به بخش‌هایی چون اصول اخلاقی، آموزه‌های اخلاقی، قواعد اخلاقی، مسائل اخلاقی، و مفاهیم و معیارهای اخلاقی تقسیم کرد. هریک از این بخش‌ها، نقشی متمایز در نظام اخلاقی ایفا می‌کنند و در کنار یکدیگر، ساختاری منسجم را شکل می‌دهند. اصول اخلاقی بنیادهای کلی و فراگیری‌اند که زیربنای دیگر آموزه‌ها و قواعد اخلاقی قرار می‌گیرند. این اصول، جهت‌دهنده قضاوت‌های اخلاقی‌اند و معیار نهایی برای ارزیابی درست یا نادرست بودن اعمال به شمار می‌آیند. نمونه‌هایی از این اصول، عدالت، خیرخواهی، و احترام به کرامت انسان است. آموزه‌های اخلاقی مجموعه‌ای از تعالیم و ارزش‌ها درباره فضایل و رذایل‌اند. این آموزه‌ها توضیح می‌دهند چه رگه‌هایی پسندیده - مانند صداقت، شجاعت، و تواضع - و چه رگه‌هایی ناپسند - مانند دروغ، بخل، و تکبر - هستند. آموزه‌های اخلاقی بیش از آنکه جنبه دستوری داشته باشند، به پرورش شخصیت اخلاقی و شکل‌دهی منش انسان کمک می‌کنند. قواعد اخلاقی دستورالعمل‌ها و باید و نبایدهایی‌اند که رفتار فرد را در موقعیت‌های خاص هدایت می‌کنند. این قواعد نسبت به اصول کلی‌تر، جزئی‌تر، و عملی‌ترند و بیشتر ناظر به زندگی روزمره‌اند. مثال‌هایی از قواعد اخلاقی، «دروغ نگو»، «به وعده وفا کن»، و «به نیازمندان کمک کن» است. مسائل اخلاقی پرسش‌ها و چالش‌هایی‌اند که در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی درباره درستی یا نادرستی اعمال مطرح می‌شوند. این مسائل می‌توانند نظری یا کاربردی باشند و در حوزه‌هایی چون اخلاق پزشکی، اخلاق زیست‌محیطی، یا اخلاق رسانه‌ای ظهور یابند؛ برای مثال پرسش درباره اخلاقی بودن اتانازی (آقابائی، ۱۳۹۲) یا محدودیت‌های اخلاقی در استفاده از هوش مصنوعی نمونه‌هایی از مسائل اخلاقی معاصر هستند.

مفاهیم اخلاقی واژگانی همچون «خوب»، «بد»، «عدالت»، و «فضیلت» هستند که زبان اخلاق را می‌سازند و ابزار اندیشه و گفت‌وگو در این حوزه‌اند. معیارهای اخلاقی نیز ضوابطی‌اند که بر پایه آنها می‌توان ارزش اخلاقی یک عمل یا صفت را سنجید. مکاتب اخلاقی مختلف معیارهای متفاوتی پیشنهاد کرده‌اند، از جمله پیامدگرایی

درستی عمل بر پایه نتایج آن)، وظیفه‌گرایی (تأکید بر تکلیف و قاعده) و فضیلت‌گرایی (تمرکز بر منش و شخصیت عامل). بخش‌های مختلف علم اخلاق، از اصول کلی تا مسائل کاربردی و معیارهای قضاوت، شبکه‌به‌هم‌پیوسته‌ای را شکل می‌دهند. اصول اخلاقی زیربنا هستند. آموزه‌ها به پرورش منش می‌پردازند. قواعد به رفتارهای عملی جهت می‌دهند. مسائل چالش‌های واقعی را نشان می‌دهند و مفاهیم و معیارها ابزار تحلیل و سنجش در اختیار می‌گذارند. چنین ساختاری جامعیت علم اخلاق را تضمین می‌کند و آن را از جنبه نظری و عملی غنا می‌بخشد.

یکی از مقوله‌ها در پژوهش حاضر، «رشته‌های اخلاقی» بود. رشته‌های اخلاقی را می‌توان به دو دسته کلی نظری و کاربردی تقسیم کرد. مهم‌ترین مباحث نظری و فلسفی در اخلاق و درباره اخلاق که می‌تواند مبنای رشته‌های آکادمیک مرتبط با اخلاق نظری قرار گیرد، «فرااخلاق یا اخلاق تحلیلی» است که به مباحثی اخلاقی می‌پردازد که بیشتر جنبه مفهومی دارند. «اخلاق دستوری یا هنجاری» که بیشتر به جنبه‌های مصداقی مباحث اخلاقی می‌پردازد. «اخلاق توصیفی» که به مباحثی اخلاقی می‌پردازد که در جامعه خاصی رواج دارند یا اینکه مشترک میان همه انسان‌ها هستند. درنهایت، «علم‌النفوس اخلاقی» یا همان روان‌شناسی اخلاق که مجموعه‌ای از مباحثی فلسفی و تجربی ناظر به امور نفسانی و روانی را در بر می‌گیرد که آدمی، در مقام فاعل و عامل اخلاقی یا در مقام ناظر و داور اخلاقی، با آنها سروکار دارد.

اخلاق کاربردی در واقع، شعبه و شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است که به تدریج عملاً خود به حوزه پژوهش مستقلی تبدیل شده است. گرچه به لحاظ نظری هیچ‌گاه نمی‌تواند جدا از نظریه اخلاقی که در اخلاق هنجاری انتخاب می‌شود، به حیات خود ادامه دهد. در اخلاق هنجاری برآنیم تا پایه‌ای‌ترین احکام اخلاق و عام‌ترین معیار خوب و بد، و درست و نادرست را ارائه دهیم؛ اما اخلاق کاربردی به بحث از هنجارهای اخلاقی در موارد خاص و کاربردی می‌پردازد: آیا مجازات اعدام در ملاءعام اخلاقی است؟ آیا می‌توان شخصی را که امیدی به زنده ماندنش وجود ندارد، برای مبتلانشدن به درد و رنج مضاعف از بین برد؟ آیا اخلاقاً می‌توان به دلایل مختلف امنیتی قداست حريم

زندگی شخص افراد را شکست؟ (آقابائی، ۱۳۹۲؛ شمالی، ۱۳۸۹). بنابراین اخلاق کاربردی شامل بررسی مسائل خاص و بحث برانگیز در زمینه‌های مختلف مانند پزشکی، تجارت، محیط زیست، و فناوری است و می‌کوشد نظریه‌ها و اصول اخلاقی را در موقعیت‌های دنیای واقعی به کار گیرد. اخلاق کاربردی به طیف گسترده‌ای از مسائل اخلاقی در زمینه‌های مختلف می‌پردازد. تأکید آن بر معضلات عملی و پرسش‌هایی اخلاقی است که در زندگی روزمره پیش می‌آیند. نمونه‌هایی از آن شامل اتانازی، حقوق حیوانات، و اخلاق زیست‌محیطی است. اخلاق کاربردی اغلب از رشته‌های مختلف، از جمله حقوق، سیاست و جامعه‌شناسی برای پرداختن به مسائل پیچیده اخلاقی بهره می‌برد. هدف اخلاق کاربردی ارائه راهنمایی در مورد نحوه عمل اخلاقی در موقعیت‌های خاص است که اغلب به توصیه‌های سیاستی یا چارچوب‌هایی برای تصمیم‌گیری منجر می‌شود.

در مقایسه میان اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای می‌توان چنین گفت که «اخلاق حرفه‌ای» به‌طور خاص، به اصول و معیارهای اخلاقی اشاره دارد که رفتار درست و نادرست افراد را در یک حرفه خاص - مثلاً حقوق، پزشکی، و مهندسی - روشن می‌کند. تأکید اخلاق حرفه‌ای بر مسئولیت‌ها و رفتارهای مورد انتظار از متخصصان در نقش‌هایشان است. این شامل نظام‌نامه‌های رفتاری، وظایف در قبال مراجعان یا بیماران، و تعهدات اخلاقی به عموم می‌شود. اخلاق حرفه‌ای اغلب در دستورالعمل‌های رسمی یا نظام‌نامه‌های اخلاقی تدوین‌شده سازمان‌های حرفه‌ای - برای مثال، انجمن روان‌شناسی آمریکا برای روان‌شناسان - تدوین می‌شود. اخلاق حرفه‌ای بیشتر بر استانداردهای اخلاقی خاص حرفه متمرکز است. هدف اخلاق حرفه‌ای این است که اطمینان حاصل شود متخصصان در عمل خود، صداقت، پاسخگویی، و استانداردهای اخلاقی را رعایت می‌کنند و اعتماد و احترام را در حوزه‌های خود تقویت می‌کنند. با همه این تفاوت‌های ذکر شده میان اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای، در حال حاضر، رشته‌ای دانشگاهی با نام اخلاق حرفه‌ای وجود ندارد، و در نتیجه، به لحاظ تقسیم‌بندی آکادمیک، اخلاق حرفه‌ای ذیل اخلاق کاربردی قرار دارد. در حال حاضر، در دانشگاه‌های ایران، رشته‌های مرتبط با اخلاق، مانند اخلاق اسلامی، فلسفه اخلاق، اخلاق کاربردی، تربیت

اخلاقی، الهیات اخلاقی، و اخلاق زیستی در مقطع کارشناسی ارشد، و رشته فلسفه اخلاق در دوره دکتری در حال برگزاری است.

یافته دیگر پژوهش حاضر که شایان توجه است اختیاری بودن درس اخلاق حرفه‌ای و روان‌شناسی اخلاق در مقطع کارشناسی رشته روان‌شناسی و تلویحات و ملزومات این امر است. اختیاری بودن این درس بدین معناست که دپارتمان مربوط اختیار دارد که این دو درس را به دانشجویان خود، در مقطع کارشناسی ارائه ندهد؛ در حالی که انجمن‌های مهم روان‌شناسی در دنیا، بر ضرورت گنجاندن درس اخلاق حرفه‌ای در مقطع کارشناسی روان‌شناسی تأکید دارند؛ برای نمونه انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۱۳م) در راهنمای آموزشی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی، بر ضرورت آموزش «اخلاق حرفه‌ای» به‌مثابه بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه درسی تأکید کرده است. در این سند، هدف سوم با عنوان «مسئولیت اخلاقی و اجتماعی در جهانی متنوع» مطرح می‌شود که به موجب آن دانشجویان موظف‌اند رفتارهایی متناسب با اصول اخلاقی و مسئولیت اجتماعی از خود نشان دهند. دانشجویان باید با مقررات رسمی و چارچوب‌های اخلاقی روان‌شناسی - از جمله نظام‌نامه اخلاقی انجمن روان‌شناسی آمریکا - آشنا شوند و مفاهیمی چون محرمانگی، رضایت آگاهانه، صداقت علمی، و تعارض منافع را درک کنند. همچنین انتظار می‌رود در پایان دوره کارشناسی، دانش‌آموختگان بتوانند استانداردهای اخلاقی را در ارزیابی پژوهش‌ها و کاربردهای روان‌شناسی به کار گیرند، حساسیت بیشتری به مسائل اجتماعی و فرهنگی نشان دهند، و تأثیر رفتار حرفه‌ای خود را بر افراد و جامعه با رویکردی مسئولانه و منصفانه در نظر بگیرند. این تأکید نشان می‌دهد گذراندن درس اخلاق حرفه‌ای برای دانشجویان روان‌شناسی، نه تنها شرطی آموزشی، بلکه پیش‌شرطی ضروری برای ارتقای صلاحیت علمی و حرفه‌ای آنان است.

درضمن، یافته‌های ما نشان داد که در سه رشته دکترای روان‌شناسی بالینی و کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی و روان‌شناسی بالینی خانواده - ویژه جامعه المصطفی العالمیه - هیچ واحد یا سرفصل اخلاقی ارائه نشده است. درباره علت احتمالی غفلت

برنامه‌ریزان این سه رشته فقط می‌توان گمانه‌زنی کرد. شاید تکیه برخی از برنامه‌ریزان - به‌خصوص دربارهٔ جامعه المصطفی العالمیه - بر منابع اسلامی، پرداختن جداگانه به موضوع اخلاق را در نظر آنان غیرضروری کرده باشد؛ زیرا که دین به‌مثابهٔ لنگرگاه اخلاقی عمل می‌کند و از این رو با تأکید بر آموزش‌های اسلامی یا روان‌شناسی اسلامی، برنامه‌ریزان به ارائهٔ درس روان‌شناسی اخلاق یا اخلاق حرفه‌ای نیازی ندیدند. به‌هرحال، بررسی ادبیات جهانی در زمینهٔ آموزش اخلاق در مقطع کارشناسی در رشته‌های پرستاری، مدیریت و کسب‌وکار، مهندسی و روان‌شناسی نشان‌دهندهٔ این نکته است که برای ارتقای سطح کیفی آموزش و سنجش اخلاق به دانشجویان، دست کم باید به سه محور اساسی بیشتر توجه کرد: (۱) شیوهٔ ارائهٔ مباحث اخلاقی: یعنی تعیین زمان و مکان مناسب برای ادغام اخلاق در برنامهٔ درسی؛ (۲) راهبردهای آموزشی: یعنی نحوه و روش‌های به‌کارگیری در آموزش اخلاق؛ (۳) آماده‌سازی استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که منظور از آن، ارتقای توانمندی استادان دانشگاه در تدریس مباحث اخلاق به دانشجویان است.

پژوهش حاضر محدود به بررسی سرفصل‌های رشته‌های روان‌شناسی بود که اکنون در وزارت علوم فعال‌اند. رشته‌های روان‌شناسی فعال در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این پژوهش بررسی نشدند. در ضمن، در باب اینکه مشاوره‌گرایی از روان‌شناسی است یا نه، اختلاف نظر وجود دارد؛ از این رو رشته‌های مشاوره نیز در پژوهش حاضر بررسی نشدند. پژوهش‌های آینده می‌توانند سرفصل رشته‌های یادشده و رشته‌های دیگر را بررسی کنند.

فهرست منابع

آقابابائی، ناصر. (۱۳۹۲). قضاوت اخلاقی و شخصیت: پرونده‌ای برای اتانازی. معرفت اخلاقی، (۱۴)، صص ۱۱۰-۱۲۳.

سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۶). نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران.

شمالی، محمدعلی. (۱۳۸۹). تأملی درباره حوزه‌های مختلف مطالعات اخلاقی. رویش اخلاق و تربیت، ۸(۳)، صص ۷-۲۶.

شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۹). سند نقشه جامع علمی کشور.

مؤمنی مهمویی، محسن. (۱۳۸۸). ارزشیابی برنامه درسی در آموزش عالی. راهبردهای آموزش، ۲(۲)، صص ۷۱-۷۷.

Akhter, S., Pauyo, T., & Khan, M. (2019). What is the difference between a systematic review and a meta-analysis? (V. Musahl et al. Eds.). *Basic methods handbook for clinical orthopedic research: A practical guide and case based research approach*, pp. 331-342. Springer.

American Psychological Association. (2013). *APA guidelines for the undergraduate psychology major: Version 2.0*. Washington, DC: Author. <https://doi.org/10.1037/e567232013-001>.

American Psychological Association. (2023). *APA guidelines for the Undergraduate Psychology Major Version 3.0: Empowering people to make a difference in their lives and communities*. USA: Author.

American Psychological Association. (2017). *Ethical principles of psychologists and code of conduct*. Washington, DC: Author. <https://www.apa.org/ethics/code>

Australian Psychology Accreditation Council. (2017). *Accreditation standards for psychology programs*. Melbourne, Australia: Author.

- British Psychological Society. (2015). *Guidelines on teaching and assessment of ethical competence in psychology education*. Leicester, UK: Author.
- Dunn, D. S., Halonen, J. S., & Smith, R. A. (2010). *Teaching critical thinking in psychology: A handbook of best practices*. Wiley-Blackwell.
- Halpern, D. F. (2010). *Undergraduate education in psychology: A blueprint for the future of the discipline*. American Psychological Association. <https://doi.org/10.1037/12063-000>
- Hogan, J. D., & Kimmel, E. B. (1992). Integrating ethics into the undergraduate psychology curriculum. *Teaching of Psychology*, 19(4), pp. 231-234. https://doi.org/10.1207/s15328023top1904_3
- Hulme, J. A. (2014). Integrating ethics into the undergraduate psychology curriculum in the UK. *Psychology Teaching Review*, 20(2), pp. 3-10.
- Hulme, J. A., & Cotton, D. R. E., & Stevens, M. (2015). Teaching ethics in undergraduate psychology curricula: The UK perspective. *Psychology Learning & Teaching*, 14(2), pp. 131-143. <https://doi.org/10.1177/1475725715573735>
- Landrum, R. E., & McCarthy, M. A. (2012). Teaching ethics across the psychology curriculum: A case study approach. *Teaching of Psychology*, 39(4), pp. 241-244. <https://doi.org/10.1177/0098628312456626>
- Narvaez, D., & Rest, J. (1995). The four components of acting morally (W. Kurtines & J. Gewirtz, Eds.). *Moral Behavior and Moral Development*. New York: McGraw-Hill.
- Plant, E. A., & Pistorese, B. (2017). Jesuit higher education and the teaching of ethics in undergraduate psychology programs. *Jesuit Higher Education: A Journal*, 6(2), pp. 53-65.
- Pope, K. S., & Vasquez, M. J. T. (1991). *Ethics in psychotherapy and counseling: A practical guide for psychologists*. Jossey-Bass.
- Prohaska, V. (2012). Academic integrity: The role of student honor codes (D. S. Dunn, R. A. R. Gurung, K. Naufel, & J. H. Wilson, Eds.). *Controversy in the psychology classroom: Using hot topics to foster student engagement*, pp. 161-174. American Psychological Association. <https://doi.org/10.1037/13749-016>

- Rest, J. (1986). *Moral Development: Advances in Research and Theory*. New York: Praeger.
- Rossiter, A., Walsh-Bowers, R., & Prilleltensky, I. (2002). Ethics as a guide in psychology. *Canadian Psychology. Psychologie canadienne*, 43(4), pp. 235-245. <https://doi.org/10.1037/h0086910>
- Ruiz, C. J., Brown, M. T., & Terry, C. (2019). Ethics education in Franciscan undergraduate psychology programs: A content analysis. *Journal of Psychology and Theology*, 47(4), pp. 278-289. <https://doi.org/10.1177/0091647119880104>
- Schwartz, B. M., & Tatum, H. E., & Hageman, M. C. (2012). Honor codes and academic integrity: A social psychological perspective. *Ethics & Behavior*, 23(2), pp. 135-151. <https://doi.org/10.1080/10508422.2012.728470>